

## آخرین فرمان ناصرالدین شاه قاجار

(در حذف مالیات صنف قصاب و خباز)

### تمهید

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، حدود یک ماه قبل از کشته شدن ناصرالدین شاه، در روز جمعه ۱۹ شوال ۱۳۱۳ ق. بدرود زندگانی گفت و دیگر فرصت نیافت که در روزنامه خاطرات خود، یک ماه آخر حیات شاه قاجار را روزشماری کند.<sup>۱</sup> وی آخرین جمله‌ای که از خود به جای گذارد؛ مختص روز پنجشنبه ۴ شوال است با این مضمون که: «... امسال هم گذشت؟ در وقایع این سال ثبت شده است: خداوند عواقب امور را خیر کند. به حق محمد و آل محمد صلی الله علی و آله».<sup>۲</sup>

در حقیقت، بهار سال ۱۳۱۳ با سه ماهه‌ی آخر سال قمری مصادف شده بود؛<sup>۳</sup> می‌دانیم که ناصرالدین شاه، روز ۲۳ ذی‌قعدة سال ۱۲۶۴ ق. در تهران تاجگذاری کرده بود. بنابراین روز ۲۳ ذی‌قعدة (اردیبهشت) سال ۱۳۱۳ ق. / ۱۲۷۵ ش. اولین روز پنجاهم سال سلطنتش می‌شد. به همین مناسبت، از زمستان به این طرف، گفت‌و شنیده‌هایی درباره‌ی برپایی جشنی مفصل بر سر زبان‌ها بود و هر قدر به ماه ذی‌قعدة نزدیک‌تر می‌شدند، جزئیات آن بیشتر در افواه منتشر می‌گشت، می‌گفتند از تمام دول اروپا نماینده و مهمان ویژه برای جشن خواهد آمد و هدایای رؤسای کشور خود را [به شاه ایران] تقدیم خواهند داشت. از روز شنبه ۱۸ ذی‌قعدة، این جشن شروع می‌شد و به روز جمعه ۲۴ ذی‌قعدة خاتمه می‌یافت. از این روی، کلیه ادارات دولتی و دیوانی مشغول تدارک مقدماتی آذین‌بندی سردرهای عمارات خود بودند و مقرر شده بود تمام دکان‌های بازار و خیابان‌ها با چهل چراغ و جار و لاله و لامپ و آینه و گل و سبزه تزئین شود. مردم تهران وعده تماشای کلانی به خود می‌دادند.<sup>۴</sup>

خیر و خوشی تمام شود.<sup>۵</sup> لذا صبح همین روز به قصد زیارت حضرت عبدالعظیم (ع) از تهران حرکت کرد. در حدود یک ساعت به ظهر مانده، وارد حرم شد... امین‌السلطان صدراعظم با عده‌ای از کارگزاران درباری همراه شاه بودند. معمولاً رسم بود هر وقت شاه به زیارت می‌رفت، حرم را قرق می‌کردند که اشخاص پراکنده وارد نشوند و شاه با طیب خاطر و حضور قلب زیارت بخواند... در این روز شاه سفارش کرد متعرض کسی نباشند و خود در میان مردم مشغول زیارت خواندن شد. بعد از زیارت حضرت عبدالعظیم (ع)، متوجه حرم امامزاده حمزه (ع) شد و در آن جا هم زیارت خواند و باز به حرم عبدالعظیم (ع) مراجعت کرد و مقابل ضریح ایستاد که باز هم دعایی بخواند.<sup>۶</sup>

در همین حین، مثل این که صندوق آهنی خالی را از بالای بام بلندی میان پله‌ها پرتاب کنند... شنیده شد.<sup>۷</sup> شاه با عجله به سمت راهرو بین حرمین حضرت عبدالعظیم و امامزاده حمزه (ع) به راه افتاد. مقبره جیران - زن عزیز کرده ایام جوانی‌اش<sup>۸</sup> - در همین راهرو بود. به این در رسید خواست وارد شود، خادم مقبره در را از تو بسته بود. شاه با مشقت به در کوبید، دو نفر از پیشخدمت‌ها هم دنبالش بودند. به آن‌ها گفت مرا بگیرید. ولی تا در باز شد دیگر نمی‌توانست خودش حرکت کند. به طوری که این دو نفر او را سردست به مقبره رساندند و دراز خواباندند.<sup>۹</sup> چنین بود که میرزا رضا نام کرمانی تیری با طپانچه به شاه خالی کرده بود... دکتر سید محمدخان احیاءالملک سراسیمه به بالین شاه آمد و هرچه تلاش کرد نتوانست خون رفته را بازدارد. قلب به کلی از کار افتاده بود و شاه مرده، در آستانه قبر اولین معشوقه خود، جان به جان آفرین تسلیم کرد.<sup>۱۰</sup>

### قدری راجع به آخرین فرمان

شواهد امر نشان می‌دهد ناصرالدین شاه، پیش از مرگش در آغازین روزهای ماه ذی‌قعدة (اول تا سوم)، فرمانی را توشیح می‌کند و به موقع

### سور ماتم شد

اما به قولی سور ماتم شد. روز جمعه ۱۷ ذی‌قعدة، ناصرالدین شاه خواست، این روز را با انجام مراسم مذهبی سپری کند که جشن او به



**ناصرالدین شاه، پیش از مرگش در آغازین روزهای ماه ذیقعدة (اول تا سوم)، فرمانی را توشیح می‌کند و به موقع اجرا می‌گذارد که تا به حال راجع به آن کمتر و در مورد اصل فرمان اصلاً سختی به میان نیامده است**

اجرا می‌گذارد که تا به حال راجع به آن کمتر و در مورد اصل فرمان اصلاً سختی به میان نیامده است. این فرمان از دو جهت با بقیه فرامین او تفاوت‌های نسبتاً چشم‌گیری دارد که به آن مختصر توجهی خواهیم داشت. سپس در آخرین منزل بحث، متن فرمان را بازخوانی خواهیم کرد. جهت اول این که به نظر می‌آید و به زعم بنده، این فرمان آخرین فرمان و منشور سلطانی بوده است که از دربار ناصری محل صدور یافته و در میان این همه حکم و فرمانی که در طول این پنجاه سال از او صادر شده است، آخری می‌تواند از شاخصه‌ها و ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار باشد و کنجکاوای همگان و از جمله مورخین و پژوهشگران اسنادی را برانگیزد. از سوی دیگر، سبک‌شناسی و آداب دبیری و ترسل‌نویسی این سند سلطانی، به خصوص در بخش رکن مطلع و مقدمه آن، به قدر مناسب با قدرت و تسلط ادبی انشا و تنظیم شده و نگارش محتوایی این فرمان از نظر قلمی و قدمی و انتخاب تشبیهات و استعارات و تلمیح و اقتباس از آیات و روایات و آوردن مترادفات و لغات فارسی و عربی مناسب و متناسب، وضعیت شایان توجهی را به خود اختصاص داده است. چرا که ناصرالدین شاه به میمنت سپری شدن پنجاه سال اول پادشاهی‌اش قصد دارد مالیات گوشت و نان صنف قصاب و خباز را حذف کند و رسوم و عوارض این صنوف را به گونه‌ای تعدیل و تخفیف بدهد تا خرید و فروش این اجناس آزاد و ارزاق مورد نیاز به شکل ارزان در اختیار عموم اهالی تهران قرار گیرد.

فضای کلی فرمان دارای ۱۲ سطر است که سه رکن: مقدمه، شرح موضوع و خاتمه آن با الفاظ و عبارات نسبتاً متکلفانه و با خط نستعلیق، نگاشته و ساخته و پرداخته شده و هم‌چون خط ثلث کلمات و عبارات بر روی هم سوار و ردیف شده‌اند. و علی‌الاصول اضافاتی چون: مهر، طغرا، توشیح و تاریخ نیز که از اصلی‌ترین عناصر یک فرمان عهد قاجار به‌شمار می‌آیند، در جای خود قرار گرفته‌اند. همان‌گونه که

اشارت رفت، تا جایی که امکان داشته است، صنایع و آرایه‌های لفظی و معنوی، که به زیبایی کلام می‌افزاید، در این فرمان به کار رفته و همین موضوع سبب شده است تا نثری مسجع و آهنگین با زبانی خوش‌نوا و پیراسته برای ادای مطلب و اعلان خبری مهم که شاه در سر داشته است، خلق و آفریده شود.<sup>۱۱</sup> ناگفته نماند که ناصرالدین شاه در اوان سلطنتش هم فرمانی بدین مضمون برای بخشودگی مالیات دو صنف نانوا و قصاب صادر کرده بود تا آسودگی معاش بر خلایق تهران حاصل آید. اما محتوا و مضامین درونی و نگارشی آن با آخرین فرمان او که مطمح نظر ماست، فاصله دیگری دارد. وی در سال ۱۲۶۸ ق. فرمان مشابهی هم برای معافیت صنف خباز و علاف تهران اعلان کرد که بلافاصله به همه کشور تعمیم یافت.<sup>۱۲</sup>

**وضع مردم تهران و بست‌نشینی قصاب‌ها**

به طور کلی، در سال‌های پایانی و به‌خصوص در سال آخر حکومت ناصری، گرانی خواروبار و ارزاق عمومی شدت یافته بود و هیچ کس هم به فکر نبود. تخم‌مرغ دانه‌ای صد دینار و مرغ به مبلغ سه هزار و ده شاهی رسیده بود و گوشت هم خیلی کم شده بود. قهرمان میرزا عین‌السلطنه در شرح و بیان ماوقع موضوع می‌نویسد: «روز جمعه

## اولین فرمانی که از مظفرالدین شاه توشیح و بعد از به تخت رسیدنش به خاطر خیرات روح پدر از دست رفته و به میمنت آغاز سلطنت خود بر آن صحنه گذارد؛ فرمان معافی مالیات قصاب‌خانه‌ها و خبازخانه‌ها بود

در باغ، به دعوت اعلی‌حضرت پنجاه نفر فرنگی و سه نفر ایرانی که نایب‌السلطنه و صدراعظم و حضرت والا عزالدوله [عبدالصمد میرزا]<sup>۱۴</sup> باشند، بعد از شام خیلی از رجال و شاهزادگان، مهمانی حضرت امیر کبیر [کامران میرزا] هم مثل صدراعظم است. سه‌شنبه هم چراغان یک روز هم اسب دوانی و بیرق دادن به قشون. انشاءالله تماشای خوبی خواهیم کرد...»<sup>۱۷</sup>

### کشته شدن شاه

اما تمامی این خرج تراشی‌ها و جشن و پایکوبی اهالی دربار روز ۱۷ دی‌مقد ۱۳۱۳ نقش بر آب شد و عزا و ماتمی سرد چون خاکستری بی‌روح، بی‌خبر بر پیکره شاه قاجار نشست و او با تیر آشکارای میرزای کرمانی در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) به خاک و خون افتاد و در آرزوی نیم قرن شاهی و فرمانفرمایی افزون بر آن چه که گذشته بود، دست خالی با دنیا وداع کرد. مرگ شاه اتفاق غریبی بود. آخر، عمر سلطنت و زندگی او توأمان به پایان رسیده بود. در آن روزگار هیچ کس فکرش را نمی‌کرد. با غفلت از این که حادثه خبر نمی‌کند...»<sup>۱۸</sup>

### جلوس مظفرالدین شاه

روز شنبه هجدهم ذی‌القعده الحرام ۱۳۱۳، پس از آن که تلگراف کشته شدن ناصرالدین شاه بدو رسید، وی به تخت سلطنت جلوس کرد و بزرگان تبریز به حضور او بار یافتند و همان روز تلگرافی به تهران زد و مردم در مسجد شاه تهران اجتماع کردند و حاجی میرزا زین‌العابدین، امام جمعه تهران، صورت تلگراف را که خبر از قتل شاه و جلوس مظفرالدین شاه بود، قرائت کرد. پس از آن، مظفرالدین شاه به طرف دارالخلافت طهران حرکت کرد و در روز یکشنبه ۲۵ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۱۳، به طور ناگهانی شاه جدید به پایتخت ورود کرد و یکسره به سرای سلطنتی مشایعت شد و در حضور وزرا و شاهزادگان در حالتی که لباس سلطنتی در بر و جیقه بر سر داشت، به تخت شاهی نشست و حاضرین جلوس رسمی شاه را بدو تهنیت گفتند.<sup>۱۹</sup>

### اولین فرمان

نخستین کار مظفرالدین شاه این بود که تلگرافی به کل ممالک محروسه ایران زده شود و تمامی قصاب‌خانه‌ها و نانواخانه‌های شهر و قصبات و دهات را اعلان نمایند که از مالیات و رسومات دیوانی معاف هستند و بدین مناسبت، اولین فرمانی که از مظفرالدین شاه توشیح و بعد از به تخت رسیدنش به خاطر خیرات روح پدر از دست رفته و به میمنت آغاز سلطنت خود بر آن صحنه گذارد؛ فرمان معافی مالیات قصاب‌خانه‌ها و خبازخانه‌ها بود که از انشای میرزا نصرالله خان دبیرالملک وزیر رسائل خاصه و با قلمدانی که صدر اعظم (علی

۳ شهر ذیقعه ۱۳۱۳ [بعد از خوردن نهار...] به حضرت عبدالعظیم (ع) رفتیم. جمعیت زیاد بود. هوا چند روز است آفتاب و باد می‌آید... قصاب‌ها بست آمده بودند. برحسب حکم همایون، مالیات قصاب‌خانه تهران به شکرانه‌ی سال پنجاهم سلطنت اعلی‌حضرت بخشیده شده یعنی اعلان رسمی آن هنوز نشده، برای ۲۲ [روز بیست و دوم] که جشن است خواهد شد. از حالا قصاب‌ها به تحریک حضرت والا نایب‌السلطنه [کامران میرزا] متحصن شده‌اند. بیست و چهار هزار تومان اصل جمع دیوانی قصابخانه است. لیکن از یک صد هزار تومان بیشتر معامله می‌شود. تمام این مبلغ به کیسه آقا [یعنی کامران میرزا] و اجزاء ایشان است. حالا نمی‌تواند متحمل این ضرر گزاف بشوند. این است متصل در فکر برگشت این حکم می‌باشند. این را هم صدراعظم [امین السلطان] باعث شد و مردم دعای خیر می‌کنند...»<sup>۱۳</sup>

### وضع گوشت و حاکم تهران

«سه‌شنبه ۱۴ ذیقعه: عمل گوشت شلوغ است. خیلی کم است و هر دقیقه یک قیمت دارد. حضرت والا نایب‌السلطنه [حاکم تهران] آن چه گوسفند پرور در اطراف تهران چوبدارها داشته‌اند، همان‌طور زنده قپان زده یک من تبریز شش هزار خریده‌اند. آن چه بره و بز و میش بوده، یک من چهار هزار و ده شاهی گوسفند تازه هم نیامده. این‌ها را هم نمی‌فروشنند. فقط محض این که عمل گوشت ضایع‌تر شود و بلکه مالیات قصاب‌خانه مجدداً برقرار شود و سالی صد هزار تومان به حضرت والا ضرر وارد نیاید. نزدیک است اهل شهر در کوچه و بازار لعنت کنند. یک نفر اجنبی مثل صدرالسلطنه [حاج حسینقلی خان، وزیر فواید عامه...]<sup>۱۴</sup> اسباب کار خیری می‌شود. حضرت والا مانع و داخل نمی‌شوند. این فقره خریداری گوسفند به عرض شاه هم رسید و شفاهاً تغیر فرموده‌اند. لیکن چاره نشده گمان می‌کنم آن قدر شلوغ بشود تا تدبیر آقا کارگر شود. کلیه مرسومات و عوارضات نانواخانه‌های شهر را هم بخشیده‌اند. این هم در اعلان گوشت مرقوم شده. این ضرر هم بالای آن است.

سالی مبلغی به اسامی مختلفه آقا از خبازخانه‌ی تهران دریافت می‌کرد. تا این آقای نایب‌السلطنه [کامران میرزا] حاکم تهران است، آب خوش از گلوی اهل شهر پایین نخواهد رفت...»<sup>۱۵</sup>

### برنامه پذیرایی جشن پنجاه سال

«چهارشنبه ۱۵ ذیقعه ۱۳۱۳ ق. [بعد از انجام مقدمات چراغانی...] صدرالاعظم [امین السلطان] برای شب مهمانی در پارک موقتاً سفره‌خانه درست کرده به عرض چهل ذرع، سقف را آهن‌پوش می‌کردند. از قرار مذکور یک صد نفر زن و مرد فرنگی با پانزده نفر ایرانی در آن شب دعوت دارند و بعد از شام قریب پانصد نفر ایرانی. شب اول هم

ناصرالدین شاه در اوان  
سلطنتش هم فرمانی برای  
بخشودگی مالیات دو  
صنف نانوا و قصاب صادر  
کرده بود تا آسودگی  
معاش بر خلائق تهران  
حاصل آید



البته ماجرای صدور اولین فرمان، پیش زمینه‌ای هم داشته است که بد نیست در پایان عرایضم از زبان خامه عین السلطنه به آن اشاره کنیم: حکایت این گونه بوده که مظفرالدین شاه، پس از جلوس شاهی، در ابتدای امر مالیات قصاب‌خانه‌ها و خبازخانه‌های آذربایجان را تخفیف کرد. اما چون علما و رعایای اصفهان هم عریضه تلگرافی کرده بودند که چرا تخفیف گوشت و نان فقط شامل آذربایجان و تهرانی شده و بلاد آن‌ها را نادیده گرفته‌اند؟ باعث شد که حکم معافی برای تمامی اقصی نقاط مملکت صادر شود. همان گونه که بیان شد.<sup>۲۱</sup>

#### ختم کلام

به هر تقدیر قصد ما از تدوین این سطور مختصر، معرفی آخرین فرمان ناصرالدین شاه قاجار بود. اما بدون آن که فرضی از پیش تعیین شده را دنبال کنیم، ناخودآگاه معلوم شد که اولین فرمان مظفرالدین شاه مثل آخرین فرمان ناصرالدین شاه حکم معافی مالیات از قصاب‌خانه‌ها و خبازخانه‌ها بوده است. آن هم نه فقط برای تهران بلکه برای کل ایالات و ولایات ایران. هر چند که هنوز متن فرمان مظفرالدین شاه را

اصغر خان امین‌السلطان) جلوی شاه آورد، او فرمان را صادر کرد و اجرای مفاد آن را واجب دانست.

عین السلطنه در روزنامه خاطرات خود می‌نویسد: «نصراالله خان [دبیرالملک] تلگرافی مخصوص را احضار فرموده، فرمودند: الان این تلگراف را به تمام ولایات بکنید. رفت. بعد فرمانی آوردند صدراعظم ملاحظه کرده گفتند فرمان معافی است. چون اول فرمانی است که به صحن مبارک موشح می‌شود، انشاءالله مبارک و میمون است... آجودان مخصوص مرور کرده بلند خواند. خیلی خوب و خوش عبارت نوشته بودند. ذکر هم شده بود. چون شاهنشاه شهید این تخفیف را مرحمت فرموده بودند به اهالی تهران، لهذا پس از [کشته شدن] ایشان ما خواستیم خیرات بزرگی برای روح پرنور پدر بزرگوار خودمان بفرستیم. لهذا کلیه مالیات قصاب‌خانه و خبازخانه ممالک محروسه را معاف فرمودیم که همیشه مردم یاد شاه بوده روح او را به آمرزش و خیرات یاد و شاد کنند. مفصل بود. از صدراعظم هم تمجید و تعریفی داشت. دبیرالملک نوشته بود. او نویسنده کامل استادی است. بهتر از او الان کسی نیست.»<sup>۲۰</sup>

ندیده‌ام و به سند آن دسترسی پیدا نکرده‌ام. اما جا دارد که از منظری دیگر نتیجه عملی و عاقبت اجرای این دو فرمان را در تاریخ معاصر ایران دنبال کنیم و بیش از این‌ها راجع به آن پژوهش و تحقیق نماییم. امیدوارم مورخین و پژوهشگران عالی‌مقام به این موضوع و مطالب شبیه به آن توجه ویژه و گسترده‌ای اعمال دارند و تحلیل و تفحص آن را مدنظر کارشناسانه خود قرار دهند.

### فرمان ناصرالدین شاه قاجار در بخشودگی و حذف مالیات و رسومات دیوانی... از صنف قصاب و خباز]

[سجع مهر]: الملک لله تعالی + تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت / صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت ۱۲۶۴  
[طغرا]: الملک لله تعالی [شانه] حکم همایون شد. [توشیح، در گوشه چپ به محاذات طغرا و در زیر سطر اول]: «صحیح است»

[متن سند] آن که چون خداوند متعال و قادر ذوالجلال اکیلل جلیل این سلطنت بامینمت بی‌زوال را زیب تارک مبارک ما فرموده و به خطاب مستطاب «اعدلوا هو اقرب للتعوی»<sup>۳۲</sup> ابواب عدل و افضال را / بر چهره آمال ما گشوده و به مدلول معجزشمول «لیس ثواب عندالله اعظم من ثواب السلطان العادل» این ثواب کامل را در حق ما شامل نموده و به مفاد الهام‌بنیاد «قلب السلطان بین اصبعی الرحمن» از تفضلات صمدانی و اشعه انوار رحمانی بر قرب / روحانی و مباحات ما افزوده و به کلام معجزنظام «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت»<sup>۳۳</sup> زمام نظام مهام انام را به قبضه قدرت و کف کفایت ما موکول و ما را در کفالت امور شریعت و معیشت عموم و رعیت مسئول ساخته و پرتو رعایت و شعاع ترجم بر اعالی / و رعاع را به قلب ما انداخته و مضمون اعجازمقرون «افضل علی من شئت تکن سلطانه و امیره» خط طاعت بر جبین سماحت ما کشیده و تشکر این نعمت‌های بی‌شمار و موهبت‌های خارج از حدود افکار به موجب آیه وافی هدایه «و ان شکرتم لا زیدنکم»<sup>۳۴</sup> بر ربقه اطاعت ما فرض و واجب / گردیده است همت والانهمت ملوکانه به ادای لوازم و مقتضیات این شکرانه معطوف و خاطر شرایع‌مظهر شاهانه به ایفای تشکر عبیدانه مصروف شد که در این موقع منبع رفیع سال پنجاهم جلوس میمنت‌مانوس همایون ما بر تخت و وساده خداداده‌ی / سلطنت که احاد و افراد عباد در کل امصار و بلاد خاصه اهالی دارالخلافه طهران این موقع ذی‌شان را محترم‌ترین و بهترین اعیاد شمرده و از صمیم قلب تمام علمای اعلام و عموم طبقات انام فوق‌التصور به لوازم شادمانی و جشن و تشکر این عید، اقدام مالاکلام نموده‌اند / موهبت و مکرمتی در حق آن‌ها مبذول و مشمول افتد که نسبت به وضع و شریف و قوی و ضعیف مساوی و مماثل شامل گردد. لهذا به شکرانه این مواهب الهیه به ملاحظه مضمون الهام‌نمون «علیکم بالاحمرین» چون نان و گوشت ماده تعییش و رزق عمومی خلق می‌باشد، به موجب صدور / این فرمان همایون از غره ذی‌قعه هذه‌السنه پیچی‌نیل ترکی و یک هزار و سیصد و سیزده هجری که سال پنجاهم جلوس ابدمانوس ما بر اریکه‌ی سلطنت و تاجداری است تمام مالیات صنفی و مالیات دروازه و داغ و تمام رسوم و عوارض قصابی گوسفند و بره و گاو و غیره را با تمام / رسوم و عوارض خبازی فی‌سبیل‌الله و حسبه لمرضاته به

هراسم و رسم و از هر جهت و هر بابت به کلی معاف مؤبد و آزاد مخلد فرمودیم و بعد از این حکم مطاع همه کس آزاد و مختار است که گوسفند و بره و گاو و هر قسم حیوانات ماکول اللحم را بدون ادای دیناری مالیات در دروازه / و داغ و غیره به شهر داخل نماید و به مصرف رساند و بفروشد و ذبح نموده گوشت آن را در هر جا که بخواهد بفروشد. بدون این‌که دیناری به هیچ عنوان مالیات بدهد و تمام اعضای مذبوح از گوشت و پوست و کله و پاچه و روده و غیره به خود صاحب مذبوح متعلق است که به میل خود / به هر کس بخواهد بفروشد و احدی حق تعرض به هیچ جزئی از اجزاء آن ندارد و مقرر می‌فرماییم که بعد ازین سلاطین با عز و تمکین و حکام و مباشرین مالیات مزبور را من جمیع‌الجهات معاف ابدی دانسته و خلاف آن را مایه لعنت سرمدی دانند و تخلف را حرام شمارند و این فرمان رفیع و توقیع منبع را به موقع انتشار گذارند تا عامه رعایا و برایا که ودایع حضرت واهب‌العطایا می‌باشند از این عطیه بهره‌یاب شده به دعای دولت جاویدانتساب پردازند.<sup>۳۵</sup> فی شهر ذی القعدة الحرام پیچی نیل سنه ۱۳۱۳.

#### پی‌نوشت:

- ۱- ر.ک: قاسمی، سید فرید؛ مشاهیر مطبوعات ایران (اعتمادالسلطنه)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۳۹۱. گفتنی است که قهرمان میرزا عین‌السلطنه در روزنامه خاطرات خود، ج اول، ص ۹۳۴، وفات اعتمادالسلطنه را روز پنجشنبه ۱۸ شوال ۱۳۱۳ ق. ذکر کرده است.
- ۲- ن.ک: اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان؛ روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، مقدمه و فهرس: ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹، ص ۱۰۶۱.
- ۳- برای تطبیق سه ماهه فروردین (حمل) / اردیبهشت (ثور) / خرداد (جوزا)، مصادف با شوال - ذیقعدة و ذیحجه سال ۱۳۱۳ ق. = / ۱۲۷۵ ش. ن. ک: سرتلی، حسام؛ تقویم تطبیقی یک صد و چهل و یک ساله، تهران: زوار، [بی‌تا]، ص ۵۶.
- ۴- ر.ک: مستوفی، عبدالله؛ شرح زندگانی من ...، تهران: زوار، ۱۳۶۰، ج اول، ص ۵۳۱-۵۳۳.
- ۵- راجع به تفاعل خیر و دفع بلاهای ارضی و سمائی و نیز طالع‌بینی و پیشگویی بودن و نبودن سلطنت ناصرالدین شاه و نظر برخی از منجمین و رمل‌شناسان عهد قاجاریه، ن.ک: کریمیان، علی؛ «پیشگویی مدت سلطنت ناصرالدین شاه»، مجله گنجینه اسناد، شماره ۴۱ و ۴۲، سال ۱۳۸۰، ص ۱۰-۱۲. و نیز ن.ک: وحیدنیا، سیف‌الله؛ «پیشگویی مدت سلطنت ناصرالدین شاه» وحید، سال هفتم، شماره پنجم (اردیبهشت ۱۳۴۹)، ص ۵۹۵.
- ۶- ن.ک: عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، منبع پیشین، ص ۵۳۳ و ۵۳۴.
- ۷- ر.ک: اورنگ، عبدالحسین (شیخ الملک)؛ «واقعه قتل ناصرالدین شاه»، مجله یغما، سال پنجم، شماره پنجم، مرداد ماه ۱۳۳۱، ص ۲۰۷-۲۱۰.
- ۸- ناصرالدین شاه به قدری زن خود حیران را که دختر رعیت تجربی بیش نبود، دوست می‌داشته است که پسر او را ولیعهد کرد. منتهی این پسر در سن کودکی بدرد زندگی گفت.
- ۹- عبدالله مستوفی، همان منبع پیشین.
- ۱۰- عبدالحسین اورنگ (شیخ الملک)، همان منبع پیشین.

در نابوری و در عین خوش‌بینی در ماندگاری طولانی، تعلقات خود را گذارند و بی‌زاد و توشه عزم سفر کردند.

۱۹- ن.ک: سپهر، عبدالحسین خان؛ یادداشت‌های ملک‌المورخین و مرآت الوقایع مظفری، با تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، زرین، ۱۳۶۸، ج اول، ص ۳۹ و ۴۰.

۲۰- ر.ک: روزنامه خاطرات عین السلطنه، همان، ج دوم، ص ۱۰۰۴-۱۰۰۶.

۲۱- ن.ک: همان منبع پیشین، ص ۱۰۰۴.

۲۲- معنی عبارت: «عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است»، بخشی از آیه ۸، سوره مائده (یا ایها الذین امنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ان الله خبیر بما تعملون). (قرآن مجید، ترجمه مهدی فولادوند، جزء ششم، ص ۱۰۸)

۲۳- از احادیث منسوب به پیامبر اکرم(ص)، (ن.ک: بحارالانوار، جلد ۷۲، ص ۳۸).

۲۴- برگرفته از قرآن کریم، سوره ابراهیم، آیه ۷: وَ اِذْ تَاَذَنُ رَبِّکُمْ لَئِن شَکَرْتُمْ لَاَزِيدَنَّکُمْ... (هنگامی که پروردگار شما اعلام کرد که اگر سپاس‌گزارید افزون به شما می‌دهم). مولانا گوید: شکر نعمت، نعمت افزون کند / کفر نعمت از کف بیرون کند.

۲۵- معانی تحت‌اللفظ برخی از لغات به کار رفته در متن فرمان: ذوالجلال: (صاحب جلال و بزرگواری)، اکلیل: (تاج، افسر)، میمنت: (مبارک، خجسته بودن)، زیب تارک (زینت سر)، افضال (افزونی، بخشش کردن)، آمال (آرزوها)، مدلول (دلالت شده، مفاد و معنی)، شمول (احاطه کردن)، اصبع (انگشت دست و پا)، مباحث (فخر کردن)، مهم (جمع مهم)، انام (خلق، مردمان)، اعالی (مردمان بلندمرتبه)، رعا (فرومایگان)، جبین (پیشانی)، سماحت (جوانمردی، بخشش، نهمت (آرزو، همت در امری)، معطوف (مورد نظر و مورد توجه واقع شده)، شرایع (جمع شریعت: سنت، آیین)، عیب‌دانه (بندگی، بنده‌وار، کوچکی کردن)، منیع (استوار و بلند)، وساده (بالین، پستی)، مأنوس (انس گرفته)، امصار (جمع مصر، شهرها)، مالا کلام (بی‌گفتگو، بی‌چون و چرا)، موهبت (بخشش، دهش)، مکرم (بزرگی، جوانمردی)، وضع (فرومایه)، مماثل (مساوی، برابر)، الیهام‌نمون (نمونه و نشانی از القائات خداوندی) علیکم بالاحمرین (بر شما باد دارندگی این دو مادهی قرمز [و حیاتی]، تعیش (اسباب معیشت، زندگی کردن)، غره: (روز اول ماه قمری)، پیچی‌نیل (سال میمون)، اریکه (سریر، تخت پادشاهی)، دروازه و داغ (در قلعه و ورودی شهر و نشان‌گذاری و محل تأیید احشام به منظور خرید و فروش و ذبح و...)، رسوم و عوارض (مواجب، روزینه، جریمه، مالیات و خراج دیوانی)، حسبه (مرضات) (برای رضای خدا)، مؤبد(ابدی، همیشگی)، مخلد (جاویدان)، ماکول اللحم (گوشت‌خوردنی و حلال و ذبح شده)، مذبوح (گلوبریده شده، ذبح‌شده)، با عزو تمکین (عزیز شدن، ارجمندی و توانایی دادن به کسی)، مباشرین (کارگزاران، مأموران خرید)، جمیع الجهات (باتمامی امکانات، همگان، سراسر)، سمدی (دائم، همیشگی)، رفیع (بلندمرتبه و شریف)، توقیع منبع (فرمان و دستخط استوار و بلند)، رعایا و برایا (خلایق، مردمان)، ودایع (جمع ودیعه / سپرده شده)، واهب العطايا (بخشنده، بخشش‌ها)، عطیه (چیزی که به کسی بخشیده شود)، بهره‌یاب (کامیاب، یابنده)، زمام (مهار)، رُبقه (حلقه طناب، گره ریسمان)، جاوید انتساب (نسبت همیشگی) و...

۱۱- برای رؤیت فرمان منظور نظر و تحلیل و بررسی عناصر شکلی و محتوایی آن که اساس مقاله، بر پایه این سند استوار شده است، ن.ک: آرشیو سازمان اسناد ملی، کد و شماره تنظیم ۰۰۱۵۶۸۰۰۲۹۶، محل در آرشیو: ۳۸۳۸۳۸.

۱۲- متن فرمان معافی آغاز سلطنت ناصرالدین شاه بدین شرح است: «امروز که به میامن الطاف شامله خداوند متعال و معیشت کامله قادر ذوالجلال تخت و تاج کیان را به وجود مسعود ما مزین و بج و خراج مملکت ایران را در کف کفایت ما معین فرمود سال اول جلوس میمنت‌مانوس به تخت سلطنت موروثی است به شکر این نعمت عظمی به رعایت بندگان خدا که ودایع کردگار قدیراند می‌پردازیم و تسهیل امر معیشت آن‌ها را اولین درجه آسودگی و جمعیت خاطرات وجهه همت ملو کانه می‌سازیم، عمده معاش نوع انسان به گوشت و نان است و به این ملاحظه ناصرالدین شاه محض مثنوبات اخرویه امر و مقرر فرموده بودند که عوارض مالیاتی دیوانی قصاب و خبازی دارالخلاصه تهران من جمیع الجهات معاف بوده مباشران دیوان وجهاً من الوجوه معرض مباشرین این دو صنف به هیچ اسم و رسم نشوند. (برگرفته از: یکتایی، مجید، تاریخ داریایی ایران، تهران: کتابفروشی دهخدا، ۱۳۵۲، ص ۱۰۱ و ۱۰۲).

۱۳- ر.ک: قهرمان میرزا عین السلطنه، روزنامه خاطرات عین السلطنه، به کوشش: ایرج افشار و مسعود سالور، تهران، اساطیر، ج اول، ص ۹۲۶.

۱۴- حاج حسین قلی خان صدرالسلطنه، فرزند میرزا آقاخان نوری صدراعظم در آغاز فعالیت‌های دیوانی به استخدام دفتر استیفا درآمد. سپس در وزارت خارجه به خدمت پرداخت و بعد از مدتی از طرف آن وزارتخانه، جنرال قونسول هندوستان، جنرال بغداد و سفیر ایران در آمریکا شد. وی در سال ۱۳۱۰ به وزارت فواید عامه منصوب گردید. ن.ک: سلیمانی، کریم؛ القاب رجال دوره قاجاریه، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹، ص ۹۶.

۱۵- ن.ک: قهرمان میرزا عین السلطنه، روزنامه خاطرات عین السلطنه، ص ۹۲۹.

۱۶- عبدالصمد میرزا عزالدوله پسر سوم محمدشاه قاجار و برادر کهنتر صلیبی ناصرالدین شاه که در ششم ربیع‌الاول سال ۱۲۶۱ ق. متولد و در سال ۱۳۴۸ ق. (۱۳۰۸ ش.) در سن ۸۷ سالگی در تهران درگذشت. وی تا سال ۱۲۹۰ مرتباً به حکومت‌های درجه دوم و سوم تعیین می‌شد. در سال ۱۳۰۲ ق. به جای یحیی خان مشیرالدوله وزیر عدلیه عظمی شد. وی مردی بود متمول، خیلی منظم و مرتب با عقل معاش و صرفه‌جو، زبان فرانسه و انگلیسی را خوب می‌دانست و روی برنامه مرتب و دقیقی که در زندگی داشت، سلامت مزاج و قوای خود را خوب حفظ کرده بود و در این سرای کهن دیر زمانی [زیست]... ر.ک: بامداد، مهدی؛ شرح حال رجال ایران، تهران؛ زوار، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۷۰.

۱۷- ن.ک: قهرمان میرزا عین السلطنه، روزنامه خاطرات عین السلطنه، همان، ص ۹۲۹ و ۹۳۰.

۱۸- تعبیری است از نگارنده، با این برداشت که بسیاری از شاهان تاریخ ایران و به‌خصوص شاهان عهد قاجار به دور از آداب ملک‌داری با دنیا به غفلت زیستند و از رعایا و برایای خود غافل بوده‌اند. به قول شیخ اجل سعدی شیرازی، دعای خیر درویشان و مسکینان بر آنان جز این نیست، «خدایا جانش بستان» و آرزوی پارسایان «خواب نیم‌روزی است، برای ملوک بی‌انصاف تا در آن وقت یک نفس خلق را نیازاند». معمولاً این گونه شاهان